

دو فصل‌نامه‌ی علمی-پژوهشی زبان و ادبیات
فارسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد فسا
س ۱۱، ش ۱ (پیاپی ۲۲)، بهار و تابستان ۱۳۹۹

بررسی زبان بدن در مراسم سوگواری در اشعار نظامی گنجوی

دکتر ماندانا علیمی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد آزادشهر، دانشگاه آزاد اسلامی، آزادشهر، ایران

دکتر مسعود پاکدل

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد رامهرمز، دانشگاه آزاد اسلامی، رامهرمز، ایران

سارا جاوید مظفری

مربی گروه دروس عمومی، دانشگاه علوم پزشکی آبادان، آبادان، ایران

چکیده

میزان پیام‌هایی که روزانه از طریق اندام‌های بدن ارسال می‌شود بسیار زیاد است؛ اما ما اغلب اهمیت آن را نادیده می‌گیریم و توجه چندانی به فراگیری و تقویت این زبان نداریم؛ حال آن که اهمیت استفاده مؤثر از زبان بدن در موقعیت اجتماعی انسان کمتر از توانایی بلیغ و فصیح سخن گفتن در عرصه زبان نیست هدف از این جستار بررسی ابیاتی از نظامی گنجوی است که مربوط به حرکات، حالات و اشارات غیرآوایی شاعر در چگونگی انتقال پیام در مراسم سوگواری است. سوگواران دلسوخته به سبب دگرگونی‌های درونی، هیجان و ناراحتی زیاد به شکایت‌های کلامی بسنده نمی‌کنند و به کارهایی نظیر گریه و زاری، خوزنی، خاک بر سر ریختن، برقع گشودن، گیسو بریدن و ... می‌پردازند. از آنجا که بخش قابل توجهی از ارتباطات انسان‌ها به زبان بدن اختصاص دارد و ارتباط روح و روان آدمی با دیگران از طریق حرکات و اشارات انجام می‌گیرد، در این پژوهش نشانه‌های غیرکلامی در موقعیت‌های مختلف با استفاده از زبان بدن نمایانده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که نظامی افزون بر اینکه شاعری برون‌گراست، از مقوله‌های درونی از جمله زبان بدن در انتقال پیام بهره‌جسته است. می‌توان توجه شاعر به زبان بدن را مغلول دل مشغولی و اشتیاق او به دیدار یار دانست که در توصیفات ارزشمندش تجلی یافته است.

واژگان کلیدی: زبان بدن، ارتباط غیرکلامی، مراسم سوگواری، اشعار نظامی

۱- مقدمه

ایجاد ارتباط همواره یکی از دغدغه‌های بشر بوده است. این مفهوم به کلیه فعالیت‌های گفتاری، نوشتاری و حرکتی اطلاق می‌شود. که توسط فرد برای انتقال معنی به فردی دیگر یا به توده وسیعی از افراد به کار می‌رود. این انتقال پیام ممکن است فقط یک اطلاع‌رسانی ساده باشد. یا اینکه هدف انتقال پیام اثرگذاری یا نفوذ بر مخاطب باشد. که در این صورت عامل ارتباطی را بر آن می‌دارد تا از این وسیله بسیار کارساز در جهت اقناع یا برانگیختن فرد یا توده وسیع مخاطبان استفاده کند (فرهنگی، ۱۳۷۵: ۱۳).

«نظریه اشاره» که نخستین بار در قرن نوزدهم توسط ویلهلم ونت معرفی شد. بیان می‌دارد که ابتدایی‌ترین شیوه ارتباط انسان‌ها اشارات و نشانه‌هایی است که با دست ایجاد می‌شود. چنین زبانی به طور ناخودآگاه و در مواردی همراه با کلام به کار می‌رود. چنان که حتی امروزه هنگامی که کسی را به سوی خود فرامی‌خوانیم. افزون بر اینکه به طور لفظی کلمه‌ای را بر زبان می‌آوریم. با حرکت دست نیز آن کلمه را همراهی می‌کنیم. و در شرایطی که زبان مخاطب خود را ندانیم. تنها به اشاره متوسل می‌شویم (یول، ۱۹۸۵: ۳ به نقل از پهلوان نژاد، ۱۳۸۶: ۱۵).

نویسندگان با استفاده از رویکرد زبان بدن در ایجاد روابط اجتماعی، تلاش می‌کنند تا با بررسی اشعار نظامی، میزان کاربرد و تنوع حرکات اندامی را در مراسم سوگواری در اشعار نظامی را تبیین کنند. بدین گونه که از یک سو اقسام و تنوع کاربرد «گفتارهای بی صدا» را در این اثر به تصویر می‌کشد. و از سوی دیگر، با استفاده از نشانه‌شناسی گفتمانی، کاربرد این مقوله را در بازیابی احساسات و طرز برخورد گوینده و مخاطب در بافت اشعارش تبیین کند.

پرسش تحقیق:

این مقاله در پی پاسخ‌گویی به پرسش‌های زیر است:

- ۱- چگونه می‌توان از طریق ارتباط غیرکلامی کنش و واکنش شخصیت‌ها را در موقعیت‌های گوناگون در اشعار نظامی دریافت؟
- ۲- آیا کارکرد هر یک از اجزای بدن در این اثر همواره به دلالتی ثابت و پایدار به یک مقوله محدود می‌شود یا در بافت‌های گوناگون متفاوت است؟

پیشینه تحقیق

محققان جامعه‌شناسی و علوم اجتماعی به اهمیت «زبان بدن» در ایجاد روابط اجتماعی توجه داشته‌اند. به همین جهت در این زمینه آثاری به زبان انگلیسی و فرانسوی مطابق فرهنگ‌های مختلف تألیف شده است. استوارت هال (۱۹۹۶) در نظریه جامعه

شناختی خود به مدل رمزگذاری و رمز گشایی حرکات بدنی در ایجاد رابطه تاکید می کند. وی در این مدل فرایند پویای ارتباطی را به فرایندی تبدیلی تشبیه می کند. که در چهارچوب پارامترهای تغییر پذیر و مشروط انجام می شود. بنابراین این مدل می تواند طیفی از موقعیت های بالقوه را به صورت اجمالی ارائه کند.

مرلوپنتی (۱۹۶۵) فیلسوف پدیدارشناس فرانسوی برای نخستین بار بحث پدیدارشناسی بدن را مطرح می کند. و در مطالعات فلسفی خود بر دیالکتیک مبتنی بر مفهوم بدن شناسنده تاکید می ورزد.

ژاک فونتنی کتابی با عنوان بدن و معنا (۲۰۱۱) دارد که مدار موضوعی آن پیرامون مباحث معناشناسی می گردد. نویسنده در این اثر بدن انسان را در آفرینش معنا موثر می داند.

ویولی (۲۰۰۴) کتابی با عنوان بدن، زبان و ذهن دارد که در بخشی از آن به نقش فرهنگ و زندگی اجتماعی در استعاره سازی می پردازد و از بدن به عنوان ابزاری کاربردی برای استعاره سازی یاد می کند.

بنیان نظری پژوهش

گذشته از اهمیت نشانه های غیر کلامی در علوم اجتماعی و روان شناسی، بارتاب قابل توجهی از این عناصر در حوزه زبان شناسی دیده می شود. که مطالعه آنها به بررسی نقش ارتباط غیر کلامی در جامعه شناسی زبان و دانش نشانه شناسی مربوط می شود.

فردینان دوسوسور معتقد است که نشانه شناسی دارای همه وسایل به کار رفته در جامعه انسانی است. که هدف آن ایجاد ارتباط است و عبارت زبانی و وسایل غیرزبانی از قبیل حرکات و اشاره ها را دربر دارد (سوسور ۱۳۸۷: ۳۶). بنابراین ارتباط غیر کلامی خود شاخه ای از نشانه شناسی است و هر کجا زبان نیازمند آن باشد و ضرورت بافتی ایجاد کند حرکات اندامی استفاده می شود.

«زبان بدن» روشی ارتباطی است. که گام، ریتم، کلمه و دستور زبان خاص خود را داراست. و اگر این کلمات ناساخته از حروف با دستور وقواعد خاص خود، به درستی ادا شود و به یکدیگر بیوندد، «عبارات غیر شفاهی» را تشکیل می دهند. این عبارت ها بعد از متصل شدن به یکدیگر عبارات و جملاتی را خواهند ساخت تا پیام های ما را به دیگران منتقل کنند. (ریچموند، ۱۳۸۷: ۸۱). به این ترتیب، گفتار بی صدا «در اغلب برخوردهای اجتماعی می تواند نقشی تعیین کننده داشته باشد و حتی موفقیت یا شکست افراد را رقم بزند. (لوئیس، ۱۳۸۰: ۹)

می توان گفت گفتار بی صدا شاخه ای از زبان محسوب می شود که آگاهانه و گاه

ناآگاهانه توسط فرد به کار گرفته می‌شود. میزان پیام‌هایی که روزانه از طریق اندام‌های بدن ارسال می‌شود بسیار زیاد است؛ اما ما اغلب اهمیت آن را نادیده می‌گیریم و توجه چندانی به فراگیری و تقویت این زبان نداریم؛ حال آن‌که اهمیت استفاده‌ی موثر از زبان بدن در موقعیت اجتماعی انسان کمتر از توانایی بلیغ و فصیح سخن گفتن در عرصه‌ی زبان نیست.

پژوهش‌های انجام شده نشان می‌دهد رفتارهای غیرکلامی در ایجاد روابط اجتماعی نقش موثری را ایفا می‌کند؛ مثلاً بیردوسیل، از پیش‌تازان مطالعات غیرکلامی، از گذر شواهد تجربی ثابت کرده است که فقط ۳۵ درصد از معنی در یک وضعیت خاص با کلام به دیگری منتقل می‌شود و ۶۵ درصد باقیمانده مرهون روابط غیرکلامی است (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۲).

همچنین باربارا کورت در اهمیت به کارگیری زبان بدن تأکید می‌کند که «انحراف سر، تغییر ناگهانی چهره، نوع خنده، تَن صدا (بلندی و کوتاهی آن)، سرعت و آهنگ کلام در هنگام صحبت می‌تواند طیف وسیعی از احساسات را به تصویر بکشد» (کورت، ۱۹۹۷: ۳۴).

۲- بحث و بررسی

تعریف ارتباط :

توسط بسیاری از صاحب نظران علوم ارتباطات، تعاریفی متعدد از ارتباط ارائه شده است. فراگرد تفهیم و تفاهم و تسهیم معنی. (فرهنگی، ۱۳۸۷: ۴۲)

ارتباط فرایندی است آگاهانه یا ناآگاهانه، خواسته یا ناخواسته که از طریق آن احساسات و نظرات به شکل پیام‌هایی کلامی و یا غیرکلامی بیان گردیده، سپس ارسال، دریافت و ادراک می‌شود. این فرایند ممکن است ناگهانی، عاطفی و یا بیان‌گر (مبین اهداف خاص برقرار کننده ارتباط) باشد. (اعرابی، ۱۳۷۸: ۵)

ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات یا وسایل ارتباطی گوناگون از یک نقطه، یک شخص یا یک دستگاه به دیگری، «دنيس لانگلي و ميشل شين». (محسنیان، ۱۳۶۹: ۴۳)

ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال یک محرک (معمولاً علامت بیانی) از یک فرد (ارتباط‌گر) به فردی دیگر (پیام‌گیر) به منظور تغییر رفتار او. «هاولند» (همان: ۴۴)

ارتباط عبارت است از فراگرد انتقال اطلاعات، احساس‌ها، حافظه‌ها و فکرها در میان مردم. «اسمیت» (همان: ۴۵)

ارتباط عبارت است از انتقال اطلاعات در محدوده سه چیز: انتشار، انتقال و دریافت پیام. «آرانگرن» (همان: ۴۶)

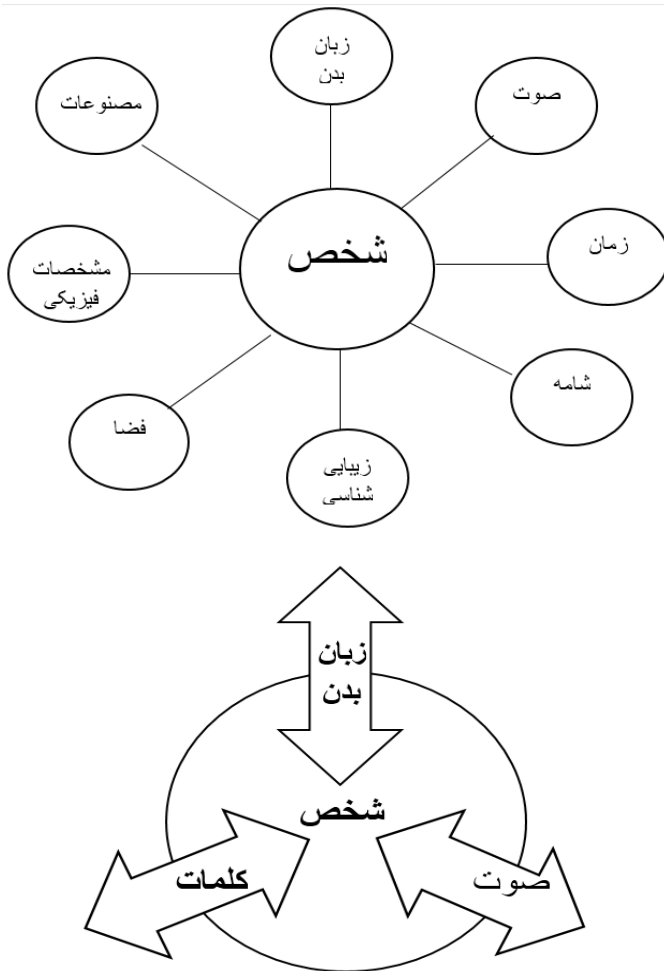
فراگرد انتقال از سوی فرستنده به گیرنده، مشروط بر آن که در گیرنده پیام، مشابهت معنی به معنی مورد نظر فرستنده پیام ایجاد شود. «محسنیان راد» (همان: ۵۷)

چگونگی ارتباط:

گرچه از طریق علایم نوشتاری، موسیقی، دود، هنر و... پیام‌ها منتقل می‌شود؛ ولی ارتباطات بین فردی از دو طریق کلامی و غیرکلامی است. ارتباط کلامی (انتقال پیام از طریق کلمات) بسیار روشن‌تر از ارتباط غیرکلامی است. هنگامی که ارتباط برقرار می‌کنیم، با ادای کلمات و جملات سعی در انتقال پیام خود از طریق مفاهیم این کلمات داریم اما هنگام حرف زدن، صوت، لحن، آهنگ و سرعت ادای کلمات، آهستگی یا بلندی صدا و مکث (که از این به بعد در این نوشتار به آن صوت یا بخش صوتی اطلاق خواهیم کرد)، با کلمات همراه می‌شود. اگر مقایسه‌ای بین حرف زدن انسان و یک روبات یا رایانه داشته باشیم، به راحتی این موضوع را درک می‌کنیم. هنگام برقراری ارتباط علاوه بر کلام و صوت، گوناگونی چهره، نوع نگاه، حرکات و حالات لب‌ها و ابروها، حالات مختلف بدن و حرکات اعضا (که از این به بعد در این نوشتار به آن زبان بدن اطلاق خواهیم کرد)، اشاراتی است که در انتقال پیام می‌تواند پیامی را منتقل نماید. در نتیجه ارتباط متشکل از کلامی و غیرکلامی بوده و ارتباط غیرکلامی از دو بخش صوتی و حرکات (حالات اشارات) تشکیل شده است.

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، غیر از صوت (لحن، تن، آهنگ و...) هفت کانال غیرکلامی دیگر نیز وجود دارد. زمان (موقعیت زمانی)، فضا (موقعیت مکانی، فاصله، حریم)، شامه (بوها)، زیبایی‌شناسی (موسیقی، رنگ و...) مشخصات فیزیکی (اندازه و شکل بدن و رنگ پوست و...)، مصنوعات (لباس، لوازم آرایشی، عینک‌ها، جواهرات و...). (اعرابی، ۱۳۷۸: ۱۲۷)

بدیهی است حالات مختلف بدن و چهره و... در محیط (لوازم، تجهیزات، موقعیت و... (بروز و ظهور می‌یابد. مثلاً چگونگی در دست گرفتن لیوان، استعمال دخانیات و... میزان فاصله (فضا، نزدیکی، کناره‌گیری) همراه با اشارات بدنی است. به علاوه انتخاب نوع آرایشی، رنگ‌ها (زیبایی‌شناسی) و برگزیدن تجهیزات و لوازم شخصی (مصنوعات)، استعمال عطرها (شامه)، با قرار گرفتن در محیط و زمان بروز حرکات و سکنت (زمان در شبانه روز در هفته در سال - سن)، زمینه تظاهر حرکات و اشارات است. بنابراین شکل کلی کانال‌های ارتباطی به صورت زیر مبنای ادامه بحث ما خواهد بود. (همان: ۱۲۸)



فضاسازی (حریم و قلمرو)

یکی از رفتارهای معمول ، فضاسازی است ، فضایی که ترجیح می دهیم بین ما و دیگرانی که در موقعیت های کاری با آن ها برخورد داریم وجود داشته باشد . دوستان نسبت به افراد بیگانه ، نزدیک تر به هم می ایستند و عموماً زنان وقتی با زنان مکالمه می کنند . نسبت به زمانی که با مردان طرف صحبت هستند . نیاز به فضای بین شخصی کمتر دارند . کارکنان در مقامات پایین تر به احتمال زیاد در یک فضا قرار می گیرند و فضا کاری آن محدود است . در حالی که مقامات بالاتر به احتمال قوی بین خود و ملاقات کنندگان ، میزهایی بزرگ قرار می دهند و از صندلی هایی مشخص استفاده می کنند. شخصی که

پشت مقدم ترین میز می نشیند به احتمال قوی تاثیری بیش تر نسبت به سایر حاضران در جلسه دارد. (سید جوادین، ۱۳۸۳: ۲۶۳-۲۶۴)

لازم به ذکر است که مشخصات فیزیکی (اندازه و شکل بدن و رنگ پوست و چهره و ...) در مباحثی با عنوان ریخت شناسی یا مرفولوژی (اندازه و شکل بدن) و چهره شناسی مطرح بوده و در جای خودقابل تامل است. اگر بستر یا زمینه تظاهر حرکات و اشارات به حساب می آید. (بهارى، ۱۳۷۲: ۱۱)

زبان بدن

بشر اولیه برای نیازهای خود از ایما و اشاره استفاده می کرد. جای بسی تعجب است که طی یک میلیون سال تکامل انسان، ارتباط روح و جسم، درون و برون، احساسات درونی و مکنونات و حرکات و اشارات بدن و حتی جنبه های صوتی ارتباط (لحن، آهنگ، تن؛ سرعت و ...) مورد بی توجهی واقع شده، به طوری که جنبه های غیر کلامی ارتباطات (nonverbal communication) (صوتی - زبان بدن) از دهه ۱۹۶۰ میلادی فعالانه مورد مطالعه قرار گرفته و عموم مردم زمانی متوجه آن شدند که fast Julius کتابی در مورد زبان حرکات در سال ۱۹۷۰ میلادی منتشر ساخت. (زنگنه، ۱۳۷۸: ۱)

مطالعات و تحقیقات نشان می دهد که برقراری ارتباط از طریق کلام فقط ۷ درصد از کل ارتباط است و ۹۳ درصد غیر کلامی است. «ارتباط غیر کلامی عبارت است از پیام های آوایی و غیر آوایی که با وسایلی غیر از وسایل زبانی و زبان شناسی ارسال و تشریح شده است. «(فرهنگی، ۱۳۷۵: ۲۲)

این پیام ها ۳۸ درصد به صورت (لحن، آهنگ، تن، سرعت و ...) و ۵۵ درصد به رفتار فیزیکی (زبان بدن) اختصاص دارد. (همان: ۵۵)

زبان بدن چیست؟

انتقال پیام از طریق زبان بدن (Body language) بخشی از ارتباط غیرلفظی (Nonverbal Communication) است.

زبان لفظی ۷ درصد صوت (آهنگ، ریتم، لحن) ۳۸ درصد و زبان بدن ۵۵ درصد از ارتباط را تشکیل می دهد:

"Lyle sussman, 1398, p21: Albert Mehrabian 1968, 52-55"

حرکات و اشارات مانند حروفی است که در کنار یک دیگر قرار گرفته و کلمات را می سازد. پیوستگی حرکات و اشارات پیام های متفاوت، را منتقل می کند. جمله هایی را می سازد که با توجه به ارتباط نزدیک روان آدمی با حرکات و اشارات صادره از وی و نیمه آگاهانه بودن آن، زبان بدن زبانی صادق تر است. زبان بدن ما را به حقایق ماورای گفت و

گو آشنا می‌کند. زبان بدن ما را در برقراری ارتباط بهتر با مخاطب و انتقال پیام‌هایمان یاری می‌دهد. این که ما می‌توانیم با تکان دادن سر، دست و یا پای خود، آری یا نه بگوییم و یا درستی و یا نادرستی سخنی را گواهی دهیم، ساده‌ترین شکل زبان بدن است. هنگام سخن رانی یا صحبت، از حرکات استفاده می‌کنیم و یا بسیاری از احساسات و مکنونات درونی خود را با اشارات یا تظاهرات چهره بروز می‌دهیم.

انواع حرکات و اشارات

حرکات و اشارات را می‌توان به چهار دسته تقسیم کرد:

- ۱- نشانه‌ها: حرکات و اشارات قراردادی و مشهور.
- ۲- روشن‌گرها: حرکات و اشاراتی که جهت‌تایید و بزرگ‌نمایی گفتار تولید می‌شود، خصوصاً توسط دست‌ها.
- ۳- تنظیم‌کننده‌ها: حرکات و اشاراتی که برای تعیین جای‌گاه (نوبت، قدرت) یا تعدیل سرعت بکار می‌رود.
- ۴- منطبق‌کننده‌ها: حرکات و اشارات و سایر اعمالی را شامل می‌شود که برای نظارت بر احساسات یا کنترل واکنش‌های خود در مقابل یگران بکار می‌رود. (کرمی، ۱۳۸۱: ۳۸)

همان‌گونه که مشاهده شد، پیام‌های غیرکلامی عبارت است از: حالات چهره، نگاه (و باز شدن مردمک)، ژست‌ها و سایر حرکات بدنی، حالت بدن (طرز ایستادن، نشستن و...). تماس‌های بدنی، رفتار فضایی، لباس و سایر جنبه‌های ظاهری، آواگری غیرکلامی. هر یک از این موارد را می‌توان بر مبنای تعداد متغیرهایی بیش‌تر، به زیربخش‌هایی تقسیم کرد. (فرجی، ۱۳۷۸: ۱۱-۱۰)

زبان بدن در ادبیات منظوم

مطالعات و تحقیقات نشان می‌دهد که برقراری ارتباط از طریق کلام ۷ درصد از کل ارتباط است و ۹۳ درصد غیرکلامی است که ۳۸ درصد به صورت (لحن، آهنگ، تن، سرعت و...) و ۵۵ درصد به حرکات و اشارات زبان بدن اختصاص دارد. قرن‌ها قبل متفکران و اندیشمندان ایرانی نه تنها به این موضوع اشاراتی داشته‌اند؛ بلکه اعتقاد خود به زبان غیرکلامی (صوتی-زبان بدن) را بیان نموده‌اند؛ ولی متأسفانه در طول سالیان متمادی، این امر کاملاً مورد غفلت واقع شده است. اگر پس از سالیان دراز، یاد و نام و اشعار بعضی از شعرا زنده است، به علت اثر معنی

و نفوذ آثار ایشان است که حکایت

از عرفان، ذوق سرشار، تلاش بسیار و نکته سنجی و... دارد. گذشته از این، بسیاری از مطالب که به زبان شعر زیبا،

جذاب و نافذ است، اگر به نثر نوشته یا گفته شود، جذابیت و نفوذ خود را از دست خواهد داد و شاید به همین دلیل بعضی از اشعار بصورت ضرب المثل درآمده است.

گر بگویم که مرا حال پریشانی نیست
رنگ رخساره خبر می دهد از سرّ ضمیر
علاج واقعه پیش از وقوع باید کرد
دریغ سود ندارد چو رفت کار از دست
(سعدی: ۱۳۷۸: ۱۲۱)

چه بسا حکیمان پارسی گوی که در قالب اشعار، نبوغ خود را به ثبت رسانده و دانش خود را به نسل های آینده منتقل کرده اند. از جمله این مطالب، زبان غیرکلامی و به طور خاص زبان بدن است.

زبان بدن در مراسم سوگواری در اشعار نظامی

آن چه از حالات، حرکات و اشارات در اشعار شاعران آمده است، پیام های خاص خود را دارد؛ ولی چه بسا خواننده آن را از عوارض ادبیات منظوم بداند اما نظامی به زبان غیر کلامی پرداخته و خصوصا به زبان بدن به عنوان بخشی مهم از ارتباط اعتقاد داشته و آن را در ابعاد گوناگونش تبیین نموده است.

از نبوغ وی بعید نیست، در قرن ششم امید آن داشته باشد که قرن ها بعد بر اشعارش شرح های متنوع (از نگاه علوم مختلف) بنگارند. البته باید اعتراف کرد که هنوز باید سال ها بگذرد تا نبوغ وی بیش تر آشکار گردد. شاید قرن های آینده!

نگاه عارفانه و نظر اهل معنا که می تواند مکاشفاتی داشته باشد منظور این بحث نیست و ما فقط از نگاه زبان بدن نظری به اشعار وی می پردازیم.

زبان غیرکلامی صوتی (آوایی)

گریه و زاری کردن

در همه منظومه ها پس از مرگ شخص، گریستن بر او و زاری و شیون، اولین عکس العمل نزدیکان متوفا می باشد. نظامی نیز بارها از این موضوع یاد کرده است. در لیلی و مجنون هنگامی که شوی لیلی، ابن سلام، از دنیا می رود، لیلی با وجود این که با او هیچ علاقه ای نداشت اما رسم سوگواری را به خوبی و کامل بجا آورد:

لیلی ز فراق شوی بی کام	می جست ز جا چو گور از دام
از رفتنش ار چه سود سنجید	با این همه شوی بود رنجید
می کرد ز بهر شوی فریاد	و آورده نهفته دوست را یاد

اشک از پی دوست دانه می کرد شوی شده را بهانه می کرد
(لیلی و مجنون ، ۱۳۱۳ : ۲۳۶)

در همین منظومه مادر لیلی هنگامی که دخترش را از دست می دهد ، سخت می گرید
و از دیدگان خود خون فرو می ریزد :

مادر که عروس را چنان دید آیا که قیامت آن زمان دید
هر مویه که بود خواندش از بر هر موی که داشت کندش از سر
پیرانه گریست بر جوانیش خون ریخت بر آب زندگتنیش
(لیلی و مجنون ، ۱۳۱۳ : ۲۵۲)

در خسرو و شیرین ، هنگامی که فرهاد می میرد ، شیرین داغ دار می شود و همانند
ابر بهاری می گرید :

سراینده چنین افکند بنیاد که چون در عشق شیرین مُرد فرهاد
دل شیرین به درد آمد ز داغش که مرغی نازنین گمشد ز باغش
بر آن آزاد سرو جویباری بسی بگریست چون ابر بهـاری
(خسرو و شیرین ، ۱۳۳۵ : ۲۶۲)

درهمین داستان کشته شدن خسرو پرویز به دست فرزندش شیرویه ، شیرین که از
خواب بیدار می شود ، جسد بی جان او را می بیند و ساعتی بر او می گرید :

ز بس خون کز تن شه رفت چون آب در آمد نرگس شیرین ز خوشخواب
سریری دید سر بی تاج کرده چراغی روغنش تاراج کرده
خزینه در گشاده گنج برده سپه رفته سپهسالار مـرده
به گریه ساعتی شب را سیه کرد بسی بگریست و آنگه عزم ره کرد
(همان : ۴۱۹)

برقع گشودن :

برقع پوششی بوده که زنان روی خود را با آن می پوشانده اند . در خسرو و شیرین آن
گاه که فرهاد می میرد ، یکی از کارهایی که شیرین در عزاداری برای او انجام می دهد برقع
گشودن است :

پرند ماه را پیوند بگشاد ز رخ برقع ، ز گیسو ، بند بگشاد
(خسرو و شیرین ، ۱۳۳۵ : ۲۶۴)

بند گیسو گشادن :

موی را باز کردن و پریشان کردن نشانه سوگواری است ؛ هم چنین در داستان خسرو و
شیرین هنگامی که خسرو پرویز می میرد ، کنیزان و غلامان نیز گیسو گشاده و گشاده سر

در مراسم سوگواری شرکت می کنند :

گشاده سر کنیزان و غلامان
چو سروی در میان شیرین خرامان
(همان : ۴۲۲)

سخن گفتن بدون کلام :

نظامی از متقدمانی که بدون لب سخن می گویند و انتظار آن را دارد از ظاهر بدن پیام را دریافت کنند .

در هفت پیکر ، هنگامی که ماهان به خانه خود برگشت ، دید دوستانش به تصوّر از دست دادن او ، لباس سیاه به تن کرده اند و او نیز به پیروی از آنها سیاه پوشید :
دید یاران خویش را خاموش هر یک از سوگواری ازرق پوش
(همان : ۲۶۶)

گونه گونی چهره :

در شرف نامه نیز وقتی دارا در حال احتضار است ، از اسکندر می خواهد بعد از مرگش روی او پارچه سیاه بکشد :
چو گشت آفتاب مرا روی زرد نقابی به من درکش از لاجورد
(شرف نامه ، ۱۳۱۶ : ۲۱۶)

چهره ترجمان درون :

گاهی نظامی واکنش انسان ها را از درون به گونه ای دیگر تعبیر می کند و از توصیف های زیبا استفاده نموده است .
معجز از سر گشودن :

یکی دیگر از زبان های بدن، معجز از سرگشودن است. به طوری که معجز حریم وعفاف زن محسوب می شود. و در مراسم عزاداری برای نشان دادن غم وماتم روسری را از سر می کنند. تا نشان از غم وغصه بر چهره آن ها هویدا گردد.

مادر که عروس را چنان دید
موی چون سمن به باد برداد
(لیلی و مجنون ، ۱۳۱۳ : ۲۵۲)

شامه :

حنوط کردن :

داروی معطری مانند کافور است که پس از غسل میّت به جسد او زنند ، تا دیری بماند و متلاشی نگردد. (دهخدا ، لغت نامه : حنوط کردن). حنوط کردن در زمان قدیم بسیار معروف بود. و اسرائیلیان این صنعت را از مصریان آموختند چون که در این کار بسیار ماهر

بودند. قصد مصریان از حنوط این بود که جسد اموات را به همان هیات نگه دارند تا منزلی برای نفس باشد و در آن ایام حنوط کنندگان و اطباء را از جمله خدمت کاران دینی می دانستند. (دهخدا، لغتنامه: ذیل حنوط) طریقه حنوط کرده این بود که اولاً نعش میت را شکافته و امعاء و احشاء و سایر اعضای اندرونی او را بیرون آورده و جای آنها را با ادویه جات از قبیل «مروکاسیا» و «زفت» می انباشتند. این مواد رطوبت بدن را به خود جذب می نمود و جسد را از فساد نگه می داشت. پس از آن که جسد را نمک باروت پاشیده و یا هفتاد روز در محلول نمک باروت می گذارند، سپس بیرون آورده در کتانی که با عطریات و سایر ادویه جات خوش بو پرورش یافته، پیچیده و در تابوتی از چوب یا سنگ می گذارند. (حسینی، ۱۳۳۸: ۲۰۵)

شستن بدن میت با گلاب و کافور و مشک و عنبر:

یکی دیگر از زبان بدن شامه است. در زمان های قدیم نیز بدن مرده را با مواد خوش بو هم چون گلاب و کافور شستشو می دادند و با مشک و عنبر آغشته می کردند. شاید به این علت که هم خوش بو باشد و هم جسد دیرتر متلاشی شود. در فرهنگ فارسی یکی از موارد استعمال کافور به این شکل ذکر شده است: «داروی معطری است که سابقاً جهت مومیایی کردن اجساد به کار می بردند.» در خمسه نظامی هر جا که سخن از مرده می باشد، در کنار آن استعمال این مواد نیز ذکر شده است.

شیرین هنگامی که متوجه مرگ خسرو پرویز می شود، پس از این که ساعتی بر جسد بی جان او می گرید، بدن خسرو پرویز را با گلاب و مشک و عنبر می آلود و بدنش را با گلاب و کافور می شوید:

به گریه ساعتی شب را سیه کرد	بی بگریست و آنگه عزم ره کرد
گلاب و مشک با عنبر برآمیخت	بر آن اندام خون آلود می ریخت
فروشتن به گلاب و به کافور	چنان کز روشنی می تافت چون نور

(خسرو و شیرین، ۱۳۳۵: ۴۱۹)

در لیلی و مجنون نیز لیلی قبل از مرگ وصیت کرده بود، که گلاب بر سر او بریزند؛ اما گلایی از اشک، سرانجام بعد از مرگش نیز مادرش به وصیتش عمل کرد و او را آراست:

فرقم ز گلاب اشک تر کن	عطرم ز شمامه جگر کن
بر بند حنوطم از گل زرد	کافور فشانم از دم سرد

(لیلی و مجنون، ۱۳۱۳: ۲۵۱)

آراستش آنچنان که فرمود	گل را به گلاب و عنبر آلود
------------------------	---------------------------

(همان: ۲۵۳)

کافور ریختن بر مهد و تابوت زرّین :

معمولا پس از آماده کردن تابوت و مهد ، درون آن حریری می افکنند و روی آن کافور و عنبر و عنبر می ریختند . در داستان اسکندر بعد از مرگش نیز همین عمل را انجام دادند :

پرنده درونش ز کافور پُر
به دیبای بیرون برآمده در
(اقبال نامه ، ۱۳۳۵ : ۲۵۹)

اندودن مهد و تابوت به مشک و ماورد و عود و ... :

مهد زرّین اسکندر را با موار خوش بویی هم چون مشک و گلاب و عود اندوده بودند. آن چنان که بوی عطر آن به کوه جودی می رسید :

پرنده درونش ز کافور پُر
از اندودن مشک و ماورد و عود
به دیبای بیرون برآمده در
به جودی شده موج طوفان جود
(اقبال نامه ، ۱۳۳۵ : ۲۵۹)

فضا :

آماده کردن تابوت و مهد زرّین :

یکی دیگر از زبان بدن فضاست . در گذشته ، برای حمل مرده از تابوت و مهد استفاده می شده و نوع تابوت و مهدی که در خمسه مطرح شده بیشتر از جنس زر است . در مرگ خسرو پرویز ، شیرین دستور می دهد تا به رسم شهریاران مهد کیانی ترتیب دهند . مشخصات آن مهد به قرار ذیل است :

بفرمودش به رسم شهریاری
کیانی مهدی از عود قماری
گرفته مهد را در تخته زر
برآورده به مروارید و گوهر
(خسرو و شیرین ، ۱۳۳۵ : ۴۲۱)

بعد از مرگ دارا ، اسکندر نیز مهد زرّینی آماده می کند و دارا را با آن حمل می کند :
سکندر بفرمود کارند ساز
برندش به جای نخستینه باز

(شرف نامه ، ۱۳۱۶ : ۲۲۰)

با مرگ اسکندر ، از کمرندهای زرّین شاهانه ای که داشت مهد زرّینی برای او آراستند :
زدند از کمرهای زر کار او
یکی مهد زرّین سزاوار او

(اقبال نامه ، ۱۳۳۵ : ۲۵۹)

تابوت زرّین و مهد زرّین ظاهرا فقط برای بزرگان و شاهان استفاده می شده است ، چرا که در مرگ لیلی و ... و یا شخصیت های دیگر داستانی خمسه استفاده از تابوت زرّین دیده نمی شود .

آرایش مهد با دیبا و مروارید و درّ و ... :

مهد خسرو پرویز با مروارید و گوهر آرایش داده شده بود. همچنین مهد زرینی که برای اسکندر تهیه دیده بودند با دیبای آموده به درّ و گوهر پوشیده شده بود :

گرفته مهد را در تخته زر برآموده به مروارید و گوهر

(خسرو و شیرین ، ۱۳۳۵ : ۴۲۱)

سیاه پوش کردن تابوت :

اسکندر قبل از مرگ وصیت‌هایی داشت . یکی از وصیت‌های او طلب آمرزش از طرف دوستان برای اوست که ضمن آن اشاره به تابوت سیاه هم شده است :

چو مشکین سرسیرم درآید به خاک به مشکوی پاکان برد جان پاک

به جای غباری که به سر کنید به آمرزش من زبان تر کنید

(خسرو و شیرین ، ۱۳۳۵ : ۲۷۴)

حمل تابوت بر دوش بزرگان :

شیرین بعد از مرگ خسرو دستور آماده کردن تابوتی شاهانه را داد . پس ، بزرگان آن تابوت را بر دوش خود گذاشتند و به طرف گورستان بردند :

به آیین ملوک پارسی عهد بخوابانید خسرو را در آن مهد

نهاد آن مهد را بر دوش شاهان به مشهد برد وقت صبح گاهان

جهانداران شده یکسر پیاده به گرداگرد آن مهد ایستاده

(همان : ۴۲۱)

گنبد زدن و زیارت گاه ساختن :

منظور از گنبد ساختن بعد از مرگ قُبّه زدن است . در داستان خسرو و شیرین ، بعد از مرگ فرهاد ، شیرین او را به رسم مهتران به خاک می سپارد و گنبدی بر قبرش می افرازد :

به رسم مهترانش حله بر بست به خاکش داد و آمد باد در دست

ز خاکش گنبدی عالی برافراخت وزان گنبد زیارتخانه ای ساخت

(همان : ۲۶۲)

در لیلی و مجنون به زیارت قبر مردگان توصیه می شود . آنجا که صیاد مجنون را از مرگ پدرش آگاه می کند ، به او می گوید که بهتر نیست به زیارت جقبر پدر بروی و از او عذر بخواهی :

چون مُرد پدر ترا بقا بود آخر کم ار آنکه آرایش باد

آیی به زیارتش زمانی جویی ز ترحم نشانی

(لیلی و مجنون ، ۱۳۱۳ : ۱۶۳)

بر قبر افتادن و بوسه زدن بر آن :

پس از اینکه فرد سوگوار به زیارت قبر عزیز از دست رفته می رود ، از شدت غم و اندوه بی تاب می شود و بر خاک افتاده و بر تربت او بوسه می زند :

مجنون ز نوای آن کج آهنگ	نالید و خمید راست چون چنگ
خود را ز دریغ بر زمین زد	بسیار تپانچه بر جبین زد
ز آرام و قرار گشت خالی	تا گور پدر دوید حالی
چون شوشه تربت پدر دید	الماس شکسته در جگر دید
بر تربتش اوفتاد بیهوش	بگرفتش چون جگر در آغوش
از دوستی روان پاکش	تر کرد به آب دیده خاکش
غلطید بر آن زمین زمانی	می جست ز هم نَن نشانی

(لیلی و مجنون ۱۳۱۳ : ۱۶۳)

مجنون هنگامی که از وفات مادرش آگاه می شود ، بر تربت پدر و مادر حاضر می شود و روی خود را بر تربت می مالد و بوسه ها می زند :

چون سخت شدی ز گریه کارش	برخاستی آرزوی یارش
از کوه درآمدی چو سیلی	رفتی سوی روضه گاه لیلی
سر بر سر خاک او نهادی	بر خاک هزار بوسه دادی

(همان : ۲۵۸)

گریستن بر مرده و خاک بر سر کردن :

گریستن بر مرده چه قبل از دفن و چه بعد از دفن در تمامی سوگ های پس از اسلام دیده می شود . گاهی فرد سوگوار آن قدر می گرید که بیهوش می شود و برای بیهوش آوردن او از گلاب استفاده می شود . شاید استعمال گلاب در مراسم ختم کنونی بازمانده این رسم قدیمی بوده است ؛ اما بنا بر شریعت زرتشت و باورهای ایرانیان باستان ، گریستن بر فوت فرد ، گناه محسوب می شده است و اشک ها چون سیلابی ، مانع رسیدن فرد متوفی به پل چینود می شده است .

در داستان لیلی و مجنون می بینیم آن گاه که مجنون در غم مرگ مادر بیهوش شده و اطرافیان نیز پا به پای او می گریند ، نظامی ، این گریستن را به گلاب افشاندن بر بیهوش تلقی کرده است :

هر دیده ز روی سست خیزی	می کرد بر او گلاب ریزی
چون هوش رمیده گشت هشیار	دادند بر او درود بسیار

(همان : ۲۰۷)

خاک بر سر کردن نیز از دیگر کارهایی است که فرد سوگوار انجام می‌دهد. در کتاب آیین‌ها و رسم‌های ایران باستان بر بنیاد شاهنامه آمده است: «چون آگهی مرگ سهراب به رستم رسید از اسب فرود آمد و به جای کلاه بر سر خاک ریخت و بزرگان لشکر همچنان نمودند و غریو کشیدند و زاری کردند». (میرفتاح، ۱۳۸۹: ۲۳۱)

چو بشنید رستم خراشید روی	همی زد به سینه همی کند موی
پیاده شد از اسب، رستم چو باد	به جای کله، خاک بر سر نهاد
بزرگان لشکر همه همچنان	غریوان و گریان و زاری کنان

(فردوسی، ۱۳۶۶، ج اول)

از بین رفته و به همین خاطر از تخت به زیر آمد و رخ بر خاک نهاد و خاک بر سر ریخت:

مهمین بانو چو بشنید این سخن را	صلا در داد غم‌های کهن را
فرود آمد ز تخت خویش غمناک	به سر بر خاک و سر هم بر سر خاک
از آن غم دست‌ها بر سر نهاده	ز دیده سیل طوفان بر گشاده

(خسرو و شیرین، ۱۳۳۵: ۷۴)

مشخصات فیزیکی:

پلاس پوشیدن (پلاس بر دوش کشیدن)

یکی دیگر از زبان بدن مشخصات فیزیکی است، در «قاموس کتاب مقدس» درباره پلاس پامده است: «پارچه زبر و درشتی که از موی بز یا شتر بافته می‌شود و در قدیم الایام هم چو زمان حال از برای جوان مستعمل بود و چون کسی را ماتم و حزنی فوق الطاقه واقع می‌شد، لباسی از پلاس ترتیب داده و دربر می‌کرد، یعنی بالای پوست بدن خود می‌پوشید و گاهی عوض عبا استعمال می‌شد و چون آن حزن و اندوه برطرف میشد و خبر خوشحالی می‌شنیدند، پلاس را از خود دور انداخته و به لباس رسمی ملبس می‌شدند، غالباً لباس پیامبران پلاس بوده است»، (هاکس، ۱۳۴۹: ۲۲۴) در فرهنگ فارسی ذیل کلمه «پلاس» آمده است: «قطعه‌ای از پارچه کهنه، پلاس در گردن کردن یعنی عزادار شدن،» (معین، لغتنامه، ذیل پلاس پوشیدن). در اقبال نامه آمده است: «هنگامی که مرگ اسکندر نزدیک شد، او سوگ نامه‌ای به مادرش نوشت و او را قسم داد که در مرگش صبور باشد و سیاه و پلاس نپوشد و مصیبت داری نکند»

به داده آفرینی که دارنده اوست	همان جا ده و جان برآورده اوست
مصیبت نداری نپوشی پلاس	به هنجار منزل شوی ره شناس

(اقبالنامه، ۱۳۳۵: ۲۵۵)

و آن گاه که اسکندر از دنیا رفت ، چگونگی عزاداری ماه و ستارگان و زمین را این گونه بیان کرده است :

ز دیده فرو بستن روی شاه	به ناخن خراشیده شد روی ماه
پلاسی ز گیسوی شب ساختند	زمین را به گردن در انداختند

(همان : ۲۵۷)

۳- نتیجه گیری

آنچه از بررسی اشعار نظامی با رویکرد زبان بدن حاصل نگارندگان شده بدین ترتیب است: طیف معنای کاربرد زبان بدن در اشعار نظامی بسیار متنوع است . در مجموع نشانه های غیرآوایی بیشترین کاربرد را در انتقال پیام به مخاطب بر عهده دارند . پس از آن ، نشانه های مربوط به فاصله بدنی با علائم آوایی بسیار دیده می شود. بدین گونه با توجه به موضوع نامبرده علائم مربوط به فاصله بدنی و علائم آوایی بیشتر از علائم دیداری است . در واقع می توان گفت در فضای گفتمانی در اشعار نظامی ، ارتباط غیر کلامی در مبادله اطلاعات و معانی نقش موثری را ایفا می کند . با توصیف نظامی از زبان بدن، تقابل و تعامل شخصیت ها را در موقعیت های مختلف می بینیم. خواننده از این طریق جایگاه گوینده و مخاطب، نحوه نگرش هر یک به دیگری و نوع عاطفه در جریان، درون فضای شعر را کشف می کند . آنچه در این میان اهمیت دارد این است که حرکات بدنی تنها در یک مورد برخاسته از خواست و ایفای گوینده است و آن بحث تأثیر گذاری نشانه های غیر دیداری از اقسام زبان بدن است ؛ در حالی که در سایر موارد نشانه های مرتبط با این زبان به مقوله ای استنباطی از جانب مخاطب تبدیل شده است که با برداشت های وی از نشانه های حرکتی گوینده سر و کار دارد .

منابع

- ۱- بهاری ، شهریار. (۱۳۷۲). **انسان شناسی نظری و علمی** ، تهران : درسا.
- ۲- پهلوان نژاد ، محمد رضا. (۱۳۸۶). « ارتباطات غیر کلامی و نشانه شناسی حرکات بدنی » ، مجله زبان و زبان شناسی ، سال سوم ، شماره دوم.
- ۳- حسینی ، محمد مومن. (۱۳۳۸). **تحفه حکیم** ، با مقدمه دکتر محمود نجم آبادی ، تهران : مصطفوی.
- ۴- دهخدا ، علی اکبر. (۱۳۷۲). **لغت نامه (دوره کامل)** ، چاپ اول ، تهران : دانشگاه تهران.

- ۵- ریچموند ، ویرجینیایی. (۱۳۷۸). رفتار غیرکلامی در روابط میان فردی ، ترجمه فاطمه سادات مولوی ، تهران : قطره.
- ۶- زنگنه ، سعید ، آلن پیر. (۱۳۷۸). زبان بدن ، تهران : جانان .
- ۷- سعدی شیرازی ، شیخ مصلح الدین. (۱۳۷۸). کلیات سعدی (نسخه تصحیح شده محمد علی فروغی) ، تهران : دهستان.
- ۸- سوسور ، فردینان دو. (۱۳۷۸). دوره زبان شناسی همگانی ، ترجمه کورش صفوی ، تهران : هرمس.
- ۹- سید جوادین ، سید رضا. (۱۳۸۳). مدیریت رفتار سازمانی ، تهران : دانش.
- ۱۰- فردوسی ، ابوالقاسم. (۱۳۶۶). شاهنامه فردوسی ، به کوشش سعید حمیدیان ، چاپ پنجم ، تهران : مسکو.
- ۱۱- فرهنگی ، علی اکبر. (۱۳۷۵). ارتباط غیرکلامی ، میبد : دانشگاه آزاد اسلامی.
- ۱۲- _____ . (۱۳۷۸). ارتباطات انسانی (جلد ۱) ، تهران : موسسه خدمات فرهنگی رسا.
- ۱۳- محسنیان راد ، مهدی. (۱۳۶۹). ارتباط شناسی ، تهران : سروش.
- ۱۴- مرجان ، مایکل آرژیل. (۱۳۷۸). روان شناسی ارتباطات و حرکات بدن ، ترجمه فرجی ، تهران : مهتاب . ، چاپ اول ، تهران : وزیر .
- ۱۵- میرفتاح ، منصوره. (۱۳۸۹). جشن ها و آیین های ایرانی از دیروز تا امروز ، چاپ اول ، تهران : وزیری.
- ۱۶- نظامی ، جمال الدین ، محمد الیاس. (۱۳۱۳). مخزن الاسرار ، به تصحیح وحید دستگردی ، تهران : علمی.
- ۱۷- _____ . (۱۳۱۳). لیلی و مجنون ، به تصحیح وحید دستگردی ، تهران : علمی.
- ۱۸- _____ . (۱۳۱۶). شرف نامه ، به تصحیح وحید دستگردی ، تهران : ارمغان.
- ۱۹- _____ . (۱۳۱۸). گنجینه گنجوی ، به تصحیح وحید دستگردی ، تهران : ارمغان.
- ۲۰- _____ ، (۱۳۳۵) ، خسرو و شیرین ، به تصحیح وحید دستگردی ، تهران : ارمغان.
- ۲۱- _____ . (۱۳۳۵). اقبال نامه ، به تصحیح وحید دستگردی ، چاپ دوم ، تهران : شرق.

۲۲- هاکس ، جیمز. (۱۳۴۹). قاموس کتاب مقدس ، تهران : طهوری.

۲۳- لوئیس ، دیوید. (۱۳۸۰). زبان بدن راز موفقیت ، ترجمه جالینوس کرمی ، مشهد : مهر جالینوس.

منابع لاتین:

1- Albert Mehrabian , “ Communication Without Words “ psychology today (sept . 1968) : 52 – 55.

2 – Korte , Barbara (1997). Body Language in Literature . University of Toronto Press.

3 – Lyle Sussman –COMEX (THE COMMUNICATION EXPERIENCE IN HUN RELATIONS) , 1998 South – western publishing.